

جهان ممکنات

مقدمتاً لازم است بدانید هستی و عالم مراتب و طبقات چهارگانه دارد که عبارت‌اند از:

۱- **عالم لاهوت:** مشتق شده از الله به معنای عالم غیب و عالم الهی است یعنی عالم خداوندی است که بر همه عوالم وجود مستولی است (سیطره دارد).

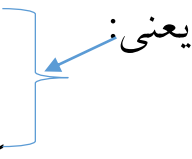
۲- **عالم جبروت یا عالم عقل (در بیان فلاسفه):** آفرینش فرشتگان پیش از هر موجود دیگری بوده است زیرا ملائکه اسباب اجرای اوامر الهی هستند و در تعداد بی‌شمارند. فرشتگان موجوداتی لطیف و مجرد بلکه عقل صرف و تحت اوامر الهی هستند

۳- **عالم ملکوت، در زبان فلاسفه عالم مثال:** مرتبه ظهور حقایق مجرد و لطیف با آثار و عوارض مادی نظیر شکل و مقدار

۴- **عالم ناسوت یا عالم طبیعت:** در بیان فلاسفه عالم ماده.

روابط عوالم چهارگانه:

عالم عقل ← عالم مثال ← عالم مادی

یعنی: 

عالم عقل علت عالم مثال

عالم مثال علت عالم مادی

آنچه در این درس موضوع و محور بحث ما است عالم طبیعت یا عالم ماده و تبیین و تحلیل فلسفی جهان ممکنات.

جهان ممکنات یا عالم امکان چگونه جهانی است؟ جهانی که ما در آن زندگی می‌کنیم جهان ممکنات است.

سؤال: اگر جهان موجود است اطلاق عنوان ممکن چرا به آن داده شده است؟ در نظام فلسفی فلاسفه موجود به واجب و ممکن تقسیم شده است.

تبیین: موجود بما هو موجود (موجود از آن جهت که موجود است) از دو حال خارج نیست و چیزی که لباس موجودیت پوشیده ممتنع در آن راه ندارد.

ماده و خمیرمایه اصلی جهان چیست؟ در یونان باستان و در زبان قدما برخی ماده اصلی جهان را آب (نظریه تالس)، برخی هوا، برخی خاک، برخی آتش (هراکلیتوس) و حتی برخی مجموع این‌ها یعنی آب، خاک، هوا و آتش (همان اسطقسات) اما با گذشت زمان برای ماده اولیه جهان نظریات متفاوتی بیان شده است.

سؤال:

۱- آیا موجودات این جهان که موجود هستند می‌توانستند نباشند؟

۲- حتی می‌توان گفت آیا این جهان می‌توانست به شکلی دیگر باشد؟ (این

موضوع بحث ما در این درس نیست ولی به صورت کلی بدانید که نظام

حاکم و جهان هستی به بهترین و متقن‌ترین شکل خلق شده است).

جهت پاسخگویی به سؤال اول لازم است مقدماتی ذکر شود تا پاسخ

روشن شود.

مفاهیم سه‌گانه قضایا

در منطق در بحث قضیه گفته شد که قضیه گفتاری است که احتمال صدق

و کذب در آن می‌رود.

همچنین دانستیم که اجزاء قضیه حملی عبارت‌اند از:

۱- موضوع ۲- محمول ۳- رابط (نسبت حکمیه)

حال در این موضوع درصدد بررسی نسبت (رابطه) محمول با موضوع برای

اینکه ببینیم آیا رابطه ضروری دارند یا رابطه ضروری ندارند که سه حالت

وجود دارد

۱- ضرورت (وجوب): محمول برای موضوع خود ضروری است. مثل عدد

دو زوج است. اسب جاندار است. مثلث شکل است

۲- ممکن (امکانی): محمول برای موضوع خود ضروری نیست بلکه ممکن است یعنی هم می‌تواند این محمول را بپذیرد و هم نپذیرد. مثل دیوار سفید است. علی نقاش است.

۳- ممتنع: محمول برای موضوع خود محال (غیرممکن) باشد. مثل مثلث دایره است. عدد هفت زوج است.

سؤال اصلی: نسبت «وجود» و «هستی» به عنوان یک محمول با موضوعشان چگونه نسبتی است؟ مثلاً وقتی می‌گوییم «زمین هست»، «انسان هست»، «خدا هست» رابطه هستی با زمین، انسان و خدا رابطه امکانی است یا ضروری یا امتناعی؟

جهت پاسخ به سؤال فوق توضیحاتی لازم است.

ممکن الوجود بودن اشیاء

ابن سینا می‌گوید وقتی به ذات و ماهیت اشیاء پیرامون خود نگاه می‌کنیم می‌بینیم که میان این ماهیات و وجود یک رابطه امکانی برقرار است یعنی ذات و ماهیت اشیاء به گونه‌ای نیست که حتماً باید باشد و به گونه‌ای نیست که بودن آنها محال باشد این اشیاء ذاتاً می‌توانند باشند یا نباشند مثل انسان هست. گیاه هست. سنگ هست. پرنده هست

سؤال: این موجودات که ذاتاً و ماهیتاً نسبت به وجود حالت امکان دارند چگونه از حالت امکانی خارج شده و موجود شده‌اند؟ چرا موجود بودن برای این ماهیات ضرورت پیدا کرده است؟

پاسخ: درست است که رابطه میان وجود و انسان یک رابطه امکانی است اما اگر انسان موجود شد معلوم می‌شود که رابطه ضرورت میان وجود و انسان برقرار شده است یعنی وجود برای انسان ضرورت پیدا کرده است.

تحلیل: انسان هست.

دو رابطه وجود دارد:

۱- رابطه امکانی: که انسان ذاتاً و ماهیتاً این رابطه را با وجود داشته است
(ممکن الوجود بالذات)

۲- رابطه ضرورت: که انسان این رابطه را از غیر (دیگری) گرفته است
(واجب الوجود بالغير).

نکته: کلیه ماهیاتی که موجودند به واسطه عاملی دیگر واجب الوجود شده‌اند
(از حالت امکان خارج شدند و واجب شدند).

قاعده فلسفی

۱- شیء تا به مرحله وجوب نرسد موجود نمی‌گردد

۲- حکیم سبزواری: موجود یا واجب است یا مستلزمه (متعلق به واجب و مستلزم به اوست).

تقسیم واجب الوجود

۱- واجب الوجود بالذات: همان ذاتی است که وجود برایش ضرورت دارد و این ضرورت از ناحیه خود آن ذات است نه از ناحیه یک امر بیرونی

۲- واجب الوجود بالغیر: اشیا این جهان چه محدود و چه نامحدود چون ذاتاً ممکن الوجود هستند به واجب الوجود بالذاتی نیاز دارند که آنها را نسبت به وجود از حالت امکانی خارج کند و وجود را برای آنها ضروری نماید.

پیام اصلی ابن سینا و پیروان او در مورد ماهیات و موجودات جهان چیست؟
موجودات جهان برحسب ذات خود ممکن الوجود هستند اما از این جهت که اکنون موجودند واجب الوجود بالغیرند یعنی از واجب الوجود بالذات نشئت گرفته اند.

نگاهی به تاریخ

فلاسفه جهان اسلام و اروپا بیان ابن سینا در اثبات واجب الوجود را برهانی قوی برای اثبات خداوند دانسته و آن را برهان «وجوب و امکان» نامیدند.
خود ابن سینا این برهان را برهان صدیقین نامیده است.

۱- توماس آکویناس این برهان را در اروپا گسترش داده است.

۲- در جهان اسلام فلاسفه‌ای نظیر بهمنیار (شاگرد ابن سینا) خواجه نصیرالدین طوسی، میرداماد (استاد صدرا) و شیخ بهایی از این برهان استفاده کرده‌اند.

۳- فیلسوفان مکتب حکمت متعالیه، ملاصدرا و پیروان وی این برهان را ارتقا بخشیدند.

دیدگاه ملاصدرا در مورد ماهیات

به جای نگاه کردن به ماهیت و مشاهده حالت امکانی آن نسبت به وجود و عدم، اگر به دو واقعیت نگاه کنیم می‌بینیم که این واقعیات عین وابستگی و نیازند در میان این موجودات نمی‌توان موجودی را یافت که وابستگی به غیر و نیازمندی سراسر وجودش را فرانگرفته باشد. وی این وابستگی و فقر وجودی را «امکان فقری» نامید.

ملاصدرا ← امکان فقری = وابستگی و نیاز موجودات به واجب

ابن سینا ← امکان ماهوی: وجود یافتن موجودات از غیر

نکته: ملاصدرا می‌گوید این نیاز ذاتی موجودات باید به منبعی به نام خداوند که غنی بالذات است، متصل باشد.

غنی بالذات: خداوند متعال است که همه موجودات به او وابسته هستند

تقسیم وجود از نظر ملاصدرا

۱- وجود بی نیاز و غیر وابسته

۲- وجودهای نیازمند و وابسته

نظریه امکان فقری یا فقر وجودی

جهان هستی یکپارچه نیاز و تعلق به ذات الهی دارد و از خود هیچ استقلال ندارد. اگر ذات الهی آنی (لحظه‌ای) پرتو عنایت خویش را بازگیرد کل موجودات نابود می گردند و نور آنها خاموش می شود.